

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - پنجم و ششم
مرداد و شهریور ماه
۱۳۴۶

اگرچه

دوره - سی و ششم
شماره - ۶۹۵

تأسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن : مرحوم وحید دستگردی)
(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

سید محمد - محیط طباطبائی

سیر ترجمه در ایران

سخنی که بر زبان میرود در صورتی قابلیت ثبات پیدا میکند که قلم بر صفحه کاغذ یا برگ درخت و گیاه و یا لوح زروسیم و سنگ و خشت و آجر نکاشته شود و از مجموعه صفحهها و ورقها و لوحها دفتر دیوانی فراهم آید که حافظ و مبین افکار و اقوال اعمال انسانی باشد . زبانی که دارای خط باشد صلاحیت بقا و تألیف و تعلیم و تعلم دارد و به فرض آنکه روزی در اثر پیش آمد نامطلوبی سخنگویان بدان زبان ناگزیر از سکوت ابدی گردند نوشتههای آن گویا و پابرجا خواهد ماند .

امروز بیش از سه هزار میلیون آدمی به سه هزار زبان مختلف سخن میگویند و در گذشته که تعداد جمعیت جهان کمتر از این هم بود شماره زبانهای رایج بیش از

این مقدار بود و بعدها در نتیجه ترکیب عوامل مختلف برخی از آن زبانها بر زبانها و لهجه‌های دیگر که در حوزه حیاتی یکدیگر رایج بودند غلبه یافته و خود از صورت استعمال محدود و محصور محلی به صورت زبان عمومی و ملی و مملکتی درآمده‌اند. این زبان فارسی که امروز در قسمت مهمی از آسیای مرکزی و فلات ایران زبان رسمی و ادبی و علمی مردم چند کشور است در هزار سال پیش حوزه استعمال بسیار محصور و داشت که از حوضه رود آمر تجاوز نمی‌کرد و به مرور زمان واجد این مزیت شده است که غالباً زبانهای متداول در این قلمرو وسیع رادر وجود خود حل کرده اینک در میان زبانهای آسیای مرکزی و غربی موقعیت ممتازی دارد.

در سرزمینهای حاصلخیز و پر آب و جلگه‌هایی که انسان کشاورز در روزگار قدیم بهتر میتوانست زندگی کند اصطلاحاً حوزه نفوذ زبانها در مقیاس وسیعی نمودار میشد و با مهاجرت اقوام نوری و روی کار آمدن دولتها غالباً زبان تازه ای جای زبان متداولی را میگرفت و از آمیزش سکنه‌ای که به زبانهای مختلف سخن میگفتند نقل آثاری از زبانی به زبان دیگر ضرورت پیدا میکرد.

در شهرهای کلبه و عیلام و آشور این امر به صورت بارزی آغاز گشت و اکادها بعد از غلبه بر سومریها به نقل آثاری از زبان سومری به زبان خود پرداختند که بدان احساس نیازی میکردند و سپس آشوریها این کار را در مقیاس وسیعتری از نقل آثار سومری و اکادی به زبان و خط آشوری انجام دادند این نقل و تفسیر از زبانی به زبان دیگر در دامنه‌های غربی و جنوبی و شرقی کوهستان معروف به زاگرس صورت سنت جاری را گرفت چنانکه داریوش کارنامه فتوحات خود را به سه یا چار زبان متداول عصر خود بر سینه کوه بیستون نقش کرد تا هر کس از بابل به همدان و یا از آگاد و شوش میرفت ذکر جمیل مآثر او را با خود ارمغان سفر کند.

این عمل تفسیر مطلبی از زبانی به زبان دیگر را ترجمه میگویند و کسی را که این کار را انجام میدهد مترجمان و مترجمان میخوانند و در زبان عربی از همین ریشه ترجمان فعلی ساخته اند که اسم فاعل آن مترجم و مصدرش ترجمه است لفظ ترجمه متدرجاً از معنی خاص خود تجاوز کرده و بمعنی خط رمز و کارنامه احوال کسان بکار رفته است .

لغت ترجمه و ترجمان امروز در زبانهای فارسی و ترکی وارد و پشتو و سواحلی و عربی بهمین مفهوم مشترك معمول و معروف است و کلمه ترجمان از راه زبان ترکی عثمانی به زبانهای اروپائی به صورت دروگمان درآمده است .

عجب است که لغویان این لفظ را معرب از درغمان یا درگمان و یا ترزفان و ترزبان فارسی دانسته اند ولی هرگز در نشر و نظم فارسی بیکی از این صورتهای لفظی که ریشه اصلی ترجمه و ترجمان تصور شده اند باین معنی برنخورده ایم مگر اینکه آن را از الفاظ مهجور بدانیم .

وجود کلماتی که از حیث صورت و معنی نزدیک به ترجمه در زبان سریانی و لهجه محلی لبنان و سوریه که آمیخته با الفاظ سریانی است و آرامی نشان میدهد که ممکن است ریشه اصلی این لفظ را در سریانی و آرامی و نبطی بتوان جست و یافت .

قدیمترین متن و ترجمه‌ای که هنوز از یک اثر مدون باستانی در ایران به دست داریم همان کتیبه بزرگ بیستون است که از فارسی باستانی به زبانهای آشوری و عیلامی ترجمه شده و حل رموز آن پس از دو هزار سال فراموشی و بی خبری باخواندن قسمت فارسی آن که به خط آسانتری نگاشته شده بود کلید زبانهای آشوری و عیلامی و بابلی و سومری را بدست داد و همان نقشی را که نقش حجر الرشید مصر از مقابله دو متن هیروگلیف و یونانی در حل رموز خط مصری ایفا کرد قسمت فارسی باستانی کتیبه بیستون نیز در موقع خود انجام داد و پرده از روی اسرار خطوط میخی مختلف که

زبانهای ملل متعددی بدان نوشته شده بود برداشت .

وجود این دو ترجمه در مصر و ایران مشکل بزرگی را از میان برداشت که با حل آن تاریخ گذشته عالم داخل سیر تازه‌ای گشت .

در کشور ما نویسندگان آرامی که از عهد هخامنشی بیعد در کار کتابت و ترجمه صاحب نظر و عمل بودند صورتی آمیخته از متن و ترجمه و یا مرکب از دوزبان همواره در پیش چشم خوانندگان قرار میدادند که حتی آثار مقدس دینی مملکت نیز از این حالت نا مطلوب برکنار نبود . لابد اصطلاح هوزوارش و یا زوارش و وزارت را که با گزارش و ترجمه نزدیکی مأخذ و مبنی دارد شنیده‌اید و میدانید که کلمات آرامی بسیاری در زبان پهلوی عصر ساسانی اشکانی به مفردات آن زبان آمیخته و بدون معرفت آنها درک معانی نوشته‌های آن عصر میسر نبود .

شاید مهمترین متن مرکب از دوزبان و یا اصل و ترجمه‌ای که در ایران بتوانیم سراغ گرفت همان کتاب اوستا باشد که چون زبان متن اصلی آن بهیچوجه برای پهلوی زبانان و دردی گویان و پهلوی نویسان ایران مفهوم نبود در عصر اردشیر که نخستین دوره جمع آوری تازه اوستا بود متن کهن ودائی اوستارا با ترجمه پهلوی آمیختند و بعدها که فهم زبان پهلوی نیز بجبهاتی با اشکالات تازه‌ای مواجه شد شرح تازه‌ای به زبان نزدیک به دردی بر آن افزودند که تفسیر اول را زاند و دوم را پازند میگویند و جودهمین ترجمه پهلوی که تنها مفهوم دستوران و موبدان ایران بود و از آموختن آن به نااهلان دریغ میورزیدند عاقبت در هندوستان به . . انکتیل دو برون فرانسوی وسیله داد تا اوستا وزند را به زبانهای زنده عصر ما برگرداند .

پس اگر این ترجمه پهلوی اوستا وجود نداشت چنین توفیقی که دو بیست سال پیش برای آشنائی با اوستا نصیب علمای مغرب شد بدین سهولت و سرعت نصیب کسی نمیکشت و سالهای دراز لازم بود تا راز یگانگی دو زبان اوستا و سانسکریت جهت

پایه گذاری و ترجمه و تفسیر جدید کشف شود. برای سکنه فعلی قاره جدید که تمدن اصلی آنجا به دست تعصب اروپائیان تازه وارد درسه قرن پیش نابود شد دانستن زبان انگلیسی و اسپانیائی و پرتغالی و فرانسوی جهت حصول معرفت به گذشته و حاضر آن سرزمین کافی است و اگر چیزی لازم باشد بیفزایند همان لاتینی و یونانی است. ولی در ایران برای اینکه معرفت کافی نسبت به گذشته بوم و برملت خود داشته باشیم ناگزیریم امروز نسبت به همه متون نویافته عیلامی و پارسی و میتائی و اوراراتی و آشوری و بابلی و عیلامی و سومری و هیتی و کوشانی و سغدی و طخاری و مانوی که با گذشته زندگانی ما ارتباط نزدیک دارد و همچنین با متون زنده پارسی و عربی و ترکی وارد و پشتو که بر تاریخ جدید ما روشنائی می افکند آشنائی داشته باشیم.

زبان ما خوشبختانه زبانی ساده و خوش آهنگ و روان و شیوا و پخته و جا افتاده از حیثیت ثروت لغوی به اعتبار منابعی که در طول هزار و سیصد سال از آنها ما به گرفته زبان پر سرما به ای شده است.

از دوران پیش از اسلام فارسی دری صرف نظر از کتیبه ای که در کوهسار افغانستان بدین زبان و با خط یونانی کشف شده جز امثال و عبارات کوتاه و محدود و برخی سرودها که در کتابهای قرن چهارم بیعد نقل شده دیگر یادگاری در دست نداریم و همینقدر میدانیم که در صدر اسلام از میان هفت زبان معروف مداین این زبان جهت وسیله ارتباط و بیان مطالب و دستورهای دینی برگزیده شد و از قرن دوم بیعد در برخی موارد لازم بجای زبان عربی حتی در مسائل مذهبی هم بکار رفت در سه چهارم آثار بازمانده فارسی دری از حیث حجم و ارزش و اسلوب بیان و تأثیر روحی بهیچوجه قابل مقایسه با قرن سوم نیست و عجب است که این آثار غالباً آزره ترجمه فراهم آمده است. ترجمه تاریخ طبری بوسیله بلعمی و حدود العالم که به آثار اصطخری و ابن هوقل و ابوزید بلخی پهلو میساید و شاهنامه که صورت منظومی از ترجمه و تألیفی است که

در خراسان بر اساس سیر الملوك ابن مقفع و ترجمه‌های عربی دیگر خدا بنا مک تنظیم شده بود و مقداری دیگر از آثار مذهبی و فلسفی و عرفانی و علمی که از مجموعه آثار آن عصر باقی مانده است خود فی نفسه ثروتی گرانبها برای زبان فارسی تشکیل میدهد. زبان فارسی روی به موازات زبان عربی بهر جا که عربی در آسیا پا میگذاشت با آن همقدم بود و بنیاد و ستند لغات نیازمندیهای خود را متدرجاً بر می آورد بی آنکه به ساختمان اساسی زبان لطمه‌ای برسد تا آنکه پس از سقوط بغداد به دست مغول و عقب نشینی فرهنگ و تمدن اسلامی عربی بر سواحل دریای مدیترانه فارسی جای خالی شده را گرفت و با وجود مزاحمت زبان مغولی و ترکی با اردوی ترك و مغول تا کنار رودهای ولگا و دن و دانوب پیشرفت و در همه جا قابلیت استفاده از وجود خود را جهت نقل افکار و آثار ادبی و علمی اثبات کرد.

از سده هفتم بعد مجموعه آثار مهم فلسفی و علمی و ادبی و هنر اسلامی را فرا گرفت و صلاحیت خود را جهت نقل و بیان هر قسم معنی و موضوعی تا حدی فرا برد که شمس الدین محمد آملی در نفایس الفنون خود توانست دایرة المعارفی از همه علوم و فنون متداول سده هشتم به فارسی فراهم آورد و پیش از او ملاقطب شیرازی همانکاری را که ابن سینا در شفا جهت زبان عربی و ارسطو در کلیات آثار فلسفی خود برای زبان یونانی کرده بود برای زبان فارسی پایه ریزی کرد.

در اثنان ملاقطب که به اسم درة التاج موسوم و اثری بسیار معروف است گنجینه‌ای از افکار فلسفی و علمی عصر را به زبان فارسی می‌نگرید.

فخری بارودی شاعر و سیاستمدار و هنر دوست شامی که اخیراً در دمشق بر حمت الهی پیوسته است به موسیقی ترك و عرب عشق می‌ورزید دکتر صلاح الدین منجد از فضلالی شام که فعلاً سر پرستی روزنامه الحیات بیروت را بر عهده دارد در سال ۱۳۳۰

مارا بیکدیگر معرفی کرد بارودی میخواست بداند که در زبان فارسی چه آثاری از موسیقی اسلامی وجود دارد .

من جزء ریاضی درة التاج را به او اهدا کردم باوجودیکه او فارسی را به کمک ترکی عثمانی به زحمت درک میکرد چند روز بعد از دریافت درة التاج که دیداری دست داد میگفت مگر ممکن است يك فیلسوف تا این درجه در موسیقی کار بتواند بکند وقتی به او گفتم که در داستانهایی مربوط به زندگانی ملاقطب از عمل موسیقایی او هم بارباب یا کمانچه سخن گفته اند بوجد وطرب درآمد و گفت نیکبخت ملتی که فیلسوف او چون قطب موسیقار باشد وقتی به او گفتم که همین ملاقطب در مدرسه عادلیه دمشق مدتی را مقیم بوده و در آن عصر چون قطب الدین رازی از مردم ایران در همین مدرسه بیتوته میکرد و یکی در طبقه اول و دیگری در طبقه دوم جاداشت و هر دو مدرس منطق و حکمت بودند مردم دمشق برای تشخیص یکی را قطب تحسانی و دیگری را قطب فوقانی میگفتند فخری بارودی دست مرا گرفت و گفت بیا به عادلیه برویم تا حجره‌ای را که نویسنده موسیقی درة التاج در آن سکونت داشته زیارت کنیم .

غرض زبان فارسی در عهد سلطه ترکان مغول در سیاست و اداره و کلیه شئون زندگی جای خالی شده از زبان عربی راپر کرد و وقتی صفویه درصدد برآمدند کاری را که اردشیر بابکان از بابت استقلال مادی و معنوی و مذهبی و سیاسی ایران انجام داده بود تجدید کنند و سازمانهای مختلف مملکت و ملت از هر حیث استقلال یابد موضوع استقلال زبان تألیف هم مورد توجه کامل بخصوص در کار مذهب قرار گرفت در عهد سلطنت شاه طهماسب بود که غالب آثار مذهبی از عربی به فارسی ترجمه شده در آن عصر من يك همشهری قدیمی داشته‌ام که او غالب کتابهای معتبر دینی را از زبان عربی به فارسی برگرداند او علی بن حسن زواره‌ای شاگرد غیاث‌الدین جمشیدی مفسر زواره‌ای و استاد ملا فتح‌اله کاشی بوده است زواره‌ای قرآن مجید و نهج البلاغه و سایر متون مذهبی

را جهت مزید اطلاع و رفع احتیاج مردم به فارسی عادی عصر ترجمه کرد . در سده بعدشاه عباس ثانی از علمای بزرگ عصر خود خواست که برامهات کتب حدیث شیعه تفسیر فارسی بنویسند .

و این کار نسبت به کافی کلینی عملی شد .

شیخ بهائی عربزادهٔ عاملی جامع عباسی را در فقه فارسی جهت شاه عباس صفوی نوشت تا از شرایع و شرح لمعه مستغنی شود . در هندوستان که زبان فارسی زبان علم و ادب و سیاست شده بود همین امر در مقیاس وسیعی انجام گرفت چنانکه کمیت آثار فارسی که در عهد سلاطین تیموری هند تألیف و ترجمه شده از هر حیث قابل ملاحظه است .

با وجودیکه کتابهای مقدس یهود و نصاری در سابق الا یام به عربی و از عربی به - پارسی ترجمه شده بود باردیگر نادرشاه دستور داد تا میرزا مهدیخان به کمک روحانیان عیسوی و یهودی ترجمه جدیدی به فارسی از انجیل و توریة فراهم آورد .

متأسفانه در عهد سلطنت صفویه که رابطهٔ سیاسی و اقتصادی میان ایران و اروپا برقرار شده بود و داستان نهضت علمی و ادبی کم و بیش از زبان سیاحان به گوش صاحب نظران میرسید کسی در صدنقل کتابی از زبانهای لاتینی و فرانسه و اسپانیولی و پرتغالی به فارسی بر نیامد و با وجودیکه در غالب بندرهای جنوب ایران زبان پرتغالی معروف عدهای از سکنه محلی بود اقدام به ترجمه از آن مسکوت ماند در صورتیکه از فارسی به پرتغالی ترجمه میشد . آشنائی خارجیان که به ایران می آمدند و میرفتند غالباً با زبان فارسی بیش از آشنائی ایرانیان با زبان های خارجی بود و سببش این بود که بدون دانستن زبان فارسی در آن عصر امکان نداشت کسی بتواند یک سفر طولانی از سواحل آدریاتیک تا سواحل دریای چین یا از کنار رود ولگا تا حبشه بکند ولی بدون دانستن

انگلیسی و یا هلندی و فرانسوی و پرتغالی به کمک فارسی این کار میسر بود .

در بازار های آدرنه و اسلامبول واز میروطرابوزان و حلب و بغداد و بمبئی و مدوس و مندله و بتاویه غالب بازرگانان به زبان فارسی آشنا بودند و با معرفت مقداری فارسی يك تاجر و جهانگرد خارجی در این نقاط به آسانی میتواند نیازمندیهای خود را رفع کند . مهمترین کار علمی که در اواخر عهد صفویه و پایان قدرت تیموریان در هند انجام گرفت همانا ترجمه زیچ فرنگی برای استفاده از جداول آن در کار رصد هلی و تنظیم زیچ محمد شاهی بود که هنوز در بین منجمین ایران بهترین زیجهای شرقی محسوب میشود و مورد استفاده همگان در استخراج تقویم است در ایران پسران و برادرزادگان نادر جهت تکمیل معلومات جغرافیائی از کشیشان اروپا درخواست کرده و نقشه کرده بودند ولی در عصر نادر هیچگونه فعالیت ادبی و علمی که قابل ذکر و بقا باشد انجام نگرفت .

در عثمانی بواسطه کثرت امتزاجی که همواره میان عناصر مختلف الجنس و مختلف العقیده وجود داشت موضوع ترجمه از زبانهای اروپائی به ترکی پیش از ایران آغاز شد .

از نخستین ترجمه های ترکی که به چاپ رسید ترجمه سیاحت نامه کشیش لهستانی است که در ایام محاصره ۱۱۳۵ اصفهان حاضر و ناظر بود و یادداشت های خطی خود را که به لاتینی نوشته بود در اسلامبول قبل از چاپ مورد استفاده دیگران قرارداد و ترجمه ترکی آن که در همان ایام انتشار یافت یکی از قدیمترین نمونه های مطبوعات ترکی منسوب به ابراهیم متفرقه است .

تحول وضع نظام عسکری در ایران و ترکیه که به موازات یکدیگر انجام میگرفت وسیله فراهم آورد که معلومات لشکری اروپائیان به زبانهای فارسی و ترکی

نقل شود تا مورد استفاده اهل شمشیر قرار گیرد. زیرا این اشتباه در هر دو کشور خاطر نشان شده بود که اگر شمشیر شرق نیز شود احتیاجی دیگر به تیزی و تندی فکر و قلم نیست.

در زمان سلطنت فتحعلی شاه این کار در تبریز آغاز شد و بهمرام آن ترجمه علوم دیگری همچون طب و هندسه و حساب و جغرافیا که طرف احتیاج کارهای نظامی بود به زبان فارسی مورد توجه قرار گرفت. مقدمات این کار در تبریز فراهم آمد و قدیمترین نتایج این اقدام ترجمه‌های است از رساله‌آمله حکیم گرمک انگلیسی که در قدیمترین چاپخانه ایران در تبریز به چاپ رسیده است.

جهت مزید استفاده و تأمین و تمرین پایدار این عمل در عهد فتحعلی شاه پنج تن در عهد محمدشاه نیز چند تن جوان ایرانی برای کارآموزی به اروپا فرستادند. دسته اول در لندن و دسته دوم در پاریس مدتی را به تحصیل پرداختند و برگشتند اینان در نقل آثار فرنگی به فارسی پیشقدم شدند و چنانکه وقتی دارالفنون طهران گشوده میشد یک منبع اصلی داخلی جهت تغذیه علمی و کمک معنوی از راه ترجمه به فارسی آمادگی کامل داشت درسهای معلمین اطریشی و ایتالیائی مدرسه که غالباً به زبان فرانسه بود عموماً به فارسی ترجمه و در چاپخانه مخصوص دارالفنون طبع و میان محصلین توزیع می‌شد.

کتابهای تاریخ و جغرافیائی که از عهد عباس میرزا ترجمه آنها از انگلیسی و فرانسه به فارسی صورت گرفته بود در این عصر زمینه مساعدی به ترجمه برخی داستان‌های فرانسوی داد و محمد طاهر میرزا جد اسکندریه‌های طهران و تبریز چند اثر معروف الکساندر دوما را به فارسی ترجمه کرد که غالب آنها به چاپ رسیده است در عهد سلطنت پنجاه ساله ناصر الدین شاه که ایران از ثبات وضعی در چهارچوبه موازنه

سیاسی برخوردار بود طبیعتاً امکان همه قسم فعالیت علمی و عقلی در صورت علاقه‌مندی فراهم بود و مقداری هم کارهای مفید از راه ترجمه انجام گرفت ولی چون این کارها بیشتر جنبه خصوصی و رسمی و تشریفاتی محدود داشت غالب کتابهای متعددی که از زبانهای فرانسه و انگلیسی و روسی و آلمانی و ترکی و عربی در آن عصر به فارسی ترجمه شد تنها نسخه های خطی آن در قفسه های کتابخانه خصوصی دولتی محفوظ ماند .

شما در فهرست کتابخانه های سلطنتی و ملی و سپهسالار و مجلس دهها کتاب معتبر ادبی و تاریخی و جغرافیائی و نظامی و علمی مینگرید که در عهد ناصرالدین شاه به فارسی ترجمه شد و از شرف عرض او گذشته ولی در دسترس ملت ایران قرار نگرفته است .

بطور مثال کتاب مفصل هامرپور گشتال اطریشی در تاریخ سلاطین آل عثمانی که از روی ترجمه فرانسه آن (نه اصل آلمانی) به فارسی ترجمه شده در مجلدات متعدد زینت کتابخانه ها ماند و مردم ایران از محتویات این اثر که برای تاریخ این مملکت کاملاً مورد احتیاج و استفاده بود بی خبر ماندند .

باید بیاد آورد که در دوره اسلامی اگر از ترجمه آثار یونانی به عربی آن جنبش عظیم علمی در شرق و غرب ممالک اسلامی بوجود آمد و مدت پنج قرن طول کشید و منشأ آنهمه آثار گرانبها واقع شد برای این بود که علم از راه ترجمه و تألیف در دسترس عامه مردم قرار گرفته بود منصور و هرون و مأمون و واثق و معتمد و مکتسفی ژرمنه نقل را فراهم کردند ولی عمل ترجمه و فهم ترجمه و نقل ترجمه کار مردم بود در نتیجه مینگریم هنوز کار ترجمه فلسفه و علوم از یونانی به عربی در اوج قدرت خود بود که حکیمی مانند یعقوب بن اسحق کندی دست به کار تألیف زد و آثار او از ارزش در

همان زمینه‌ها به مرتبه‌ای رسید که مانند ترجمه آثار ارسطو و جالینوس و اقلیدس جزو اسناد معتبر گنجینه فضایل اسلامی قرار گرفت در دو قرن گذشته زبان فارسی در هندوستان و ممالک عثمانی و حتی ماوراء النهر و افغانستان از رشد قبلی خود باز ماند و آثاری که قابل مقایسه با آثار قبلی همین مملکتها باشد بوجود نیاورد ولی در ایران با همه موانع و مشکلات متصور، از راه ترجمه مقدار مهمی بر ثروت موجود زبان افزوده شد و از حیث تحول اسلوب و شکل بیان، زبان فارسی صلاحیت کامل جهت حفظ مقامی که از سابق در میان زبانهای زنده عالم داشت پیدا کرد.

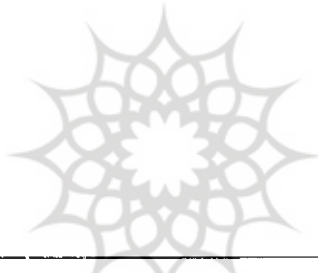
با تحول اوضاع اجتماعی ایران و بعد از تبدیل رژیم استبداد بمشروطه و مزید ارتباط مادی و معنوی با جهان خارج، نهضتی به طرف تکامل در تحول بوجود آمد متأسفانه جنگ جهانی دوم و تجاوز همه جانبه متفقین به کشور ما آثاری از خود بیادگار گذارد که مسأله رشد زبان و ترجمه آزاد و مستقل و تطور وضع علمی و فنی را دچار بحران موقت ولی شدید کرده است.

بحرانی، که امید میرود در آینده نزدیکی با تجدید حیات فرهنگستان ایران برطرف کرد.

وسعت دایره ترجمه و کثرت آثار مختلفی که در این بیست سال اخیر از زبان - های مختلف و بوسیله ایادی واجد صلاحیتهای متنوع و متفاوت به فارسی ترجمه شده خود نیز تولید مشکلات خاصی کرده که از اختیار لفظ آغاز میشود و به بیان معنی می انجامد.

کوششهای شدید فردی و خصوصی که در این ایام از طرف برخی افراد و مؤسسات و انجمنها و مدرسه‌ها جهت تفسیر یا تثبیت این وضع مبذول میشود چون جنبه شمول و عموم ندارد انتظار نمیرود متمر ثمری گردد و وضع بهمین قرار باقی میماند.

بدیهی است برای حل و فصل این مشکل هیچ مرکز صلاحیتداری جز فرهنگستان نیست که از عهده این کار بر آید و کوششهای پراکنده دیگر با نظر رضا و اطمینان تلقی نمیشود باشد که در آینده نزدیک مشکل کار ترجمه هم وارد مرحله حل نهایی گردد و کسانی که قلم ترجمه ایشان . در هر سال و ماهی میخواهد و میتواند چند کتاب را به فارسی ترجمه کند از این هرج و مرج کار نقل الفاظ به الفاظ ساختگی و ابداع تعبیرات نامأنوس و تصرف در کلمات ادبی فارسی رهایی یابند و زبان فارسی با کمال صوری و معنوی خود در لباس ترجمه همچون تألیف و در تقریر مانند تحریر جلوه گر بماند .



حکایت

تنی چند از خاصان سلطان محمود حسن میمندی را گفتند که امروز سلطان ترا در فلان مصاحبت چه گفت . گفت بر شما هم پوشیده نماند گفتند آنچه با تو گوید با امثال ما مردم روا ندارد گفت با اعتماد آنکه داند که با کس نمی گویم پس چرا همی پرسید .

(سعدی)